





بهار ۱۳۹۱

## دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

Number 6, Spring 2012  
Just Peace Diplomacy Journal  
International Peace Studies Centre (IPSC)  
[www.peace-ipsc.org](http://www.peace-ipsc.org)  
ISSN 2043-9016 (Print)  
ISSN 2043-9024 (Online)

**English Articles 1-78**

**Persian Articles 79-254**



**IPSC**

International Peace Studies Centre

## دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

فهرست

### Articles

#### A Critical Analysis of Huntington's Doctrine of 'The Clash of Civilization'

Masoumeh Bahram  
[1-20]

- مَخْمَس فُشارهای غرب علیه انقلاب اسلامی ایران در سال ۲۰۱۱  
دکتر سید سلمان صفوی {۱۰۲-۱۷۹}

#### Revisiting the History of Iran: Geopolitics and Geoculture

Kafkazli Seyed Javad  
[21-42]

- بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی پاکستان  
در سال ۲۰۱۱  
امیر سووری {۱۰۳-۱۱۴}

#### The United States of America and Iran's Periphery in 2011

Tahmoures Gholami  
[42-56]

- بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی عربستان  
سعودی در سال ۲۰۱۱  
کامران کرمی {۱۲۷-۱۵۸}

#### Understanding Radical Islamic Militancy Against the West

Mohammad Sadegh Jokar  
[57-78]

- بررسی تحلیلی رویدادهای عراق در سال ۲۰۱۱ و بررسی چشم  
انداز آتی آن در سال ۲۰۱۲  
"۲۰۱۱ سالی برای پایان رسمی اشغال عراق"  
اردشیر پشننگ {۱۵۹-۲۰۶}

- تحلیلی از وضعیت مصر در سال ۲۰۱۱ و روندهای آتی  
اباذر براری {۲۰۷-۲۳۰}

- بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی تونس  
در سال ۲۰۱۱  
معصومه طالبی {۲۳۱-۲۵۴}

*Persian Articles [79-254]*

مقالات انگلیسی {۱-۷۸}



## سیاست های اتحادیه اروپا در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱

نجمیه پوراسمعیلی

مرکز بین المللی مطالعات صلح- تهران

### چکیده

سران اتحادیه اروپا دریافته اند که تحولات خاورمیانه و مشخصاً شمال آفریقا نه تنها می تواند امنیت آنها را در معرض چالش و تهدید قرار دهد، بلکه قادر است مقوله انرژی را نیز که در سیاست خارجی اتحادیه اروپا جایگاه ویژه ای دارد تحت تأثیر قرار دهد. لذا بحران اقتصادی اروپا عامل دیگری بود که این اتحادیه را تشویق کرد بیش از پیش نسبت به تحولات خاورمیانه حساس باشند. در ادامه در ابتدا به بحران اقتصادی اروپا، تأثیرات، پیامدها و ریشه های آن پرداخته می شود. در گام دوم همراهی اتحادیه اروپا با سیاست های آمریکا در خاورمیانه به طور عام و ایران به طور خاص مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. در بخش سوم سیاست های اتحادیه اروپا نسبت به مسائل افغانستان مورد بررسی قرار می گیرد و در بخش بعدی بهار عربی و نوع نگاه اتحادیه اروپا به آن بررسی و تحلیل می شود.

**کلید واژگان:** اتحادیه اروپا، خاورمیانه، شمال آفریقا، ایران، افغانستان، انرژی، امنیت.

**مقدمه**

اتحادیه اروپا یکی از بازیگران نافذ فرا منطقه ای در خاورمیانه و شمال آفریقا است که منافع خود را در این منطقه بیشتر در ارتباط با جریان آزاد انرژی و وجود ثبات و امنیت در مناطق پیرامونی خود تعریف کرده است. در سال ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا تلاش کرد کماکان با تکیه بر این دو اصل مهم منافع خود را در خاورمیانه و شاخ آفریقا دنبال کند. اما در سال ۲۰۱۱ تحولات معروف به بهار عربی اتفاق افتاد، شرایط و محیط منطقه را تغییر داد. اتحادیه اروپا نیز در راستای تأمین منافع اتحادیه، به تغییر کامل در برخی سیاست های گذشته خود نسبت به خاورمانه و در مواردی تطبیق سیاست های خود با شرایط جدید پرداخت. بحران اقتصادی اروپا نیز در سال ۲۰۱۱، کماکان ادامه داشت، این موضوع باعث شد بخشی از دغدغه های اتحادیه اروپا به مسائل داخلی اتحادیه باشد. اتحادیه اروپا قائل به ارتباط میان بحران اقتصادی اروپا و وضعیت آینده انرژی با توجه به تحولات خاورمیانه است.

**- اتحادیه اروپا و بحران اقتصادی:**

بیش از یک سال است برخی کشورهای عضو منطقه یورو با بحران های شدید مالی دست و پنجه نرم می کنند. کشورهایی مانند یونان، پرتغال، اسپانیا، ایرلند و اخیراً ایتالیا با بار سنگین بدهی ها مواجه اند و برای جلوگیری از ورشکستگی نیازمند کمک های عظیم مالی شده اند. اتحادیه اروپا نیز برای مقابله با این بحران که موجودیت پول واحد اروپایی و نیز حتی همگرایی اروپایی را تهدید می کند تدابیری اندیشیده است که از مهم ترین آنها می توان به ارائه تسهیلات برای حفظ ثبات مالی در اروپا (EFSF) و ساز و کار ثبات اروپایی (ESM) اشاره کرد. اتحادیه اروپا همراه با صندوق بین المللی پول برای نجات یونان، پرتغال و ایرلند وارد عمل شدند و با اعطای وام های هنگفت به این کشورها درصدد رفع بحران برآمدند. با این حال هنوز در این زمینه که آیا این کمک ها می تواند این کشورها را از بحران خارج کند شک و تردیدهایی وجود دارد.



بسیاری از ناظران مسائل اقتصادی بحران مالی و اقتصادی به وجود آمده در اتحادیه اروپا را ناشی از رکود اقتصاد جهانی و به دنبال بحران در اقتصاد جهانی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و بی‌انضباطی مالی می‌دانند. به اعتقاد آنان کشورهایمانند یونان، پرتغال، ایرلند و اسپانیا در طی دهه اخیر بیش از امکانات و توان خود متقبل هزینه‌های عمومی شده‌اند. برخی دیگر از کارشناسان معتقدند بحران منطقه یورو ناشی از برخی نارسایی‌ها نظیر شتاب زیاد برای پذیرفتن اعضای جدید با اقتصاد ضعیف در منطقه یورو در اجرای پیمان ماستریخت در زمینه ایجاد پول واحد اروپایی بوده است. ایجاد اتحادیه پولی و به جریان افتادن واحد پول اروپایی نقطه اوج همگرایی اقتصادی در اتحادیه اروپا بود که زمینه‌ساز همگرایی سیاسی بیشتر محسوب می‌شد و در فرایند تعمیق همگرایی گامی اساسی به شمار می‌رفت. از این‌رو در این مقطع به رغم تقویت گرایش‌های ناسیونالیستی در کشورهای اروپایی هنوز تنها راه حفظ جایگاه اروپا در معادلات بین‌المللی تقویت همگرایی است. بر همین اساس نجات یورو و جلوگیری از تضعیف آن همچنان از جمله اولویت‌های کشورهای بزرگ اتحادیه اروپاست و هرگونه ناکامی در این زمینه سبب بازگشت فرایند همگرایی به عقب و تضعیف اروپا در عرصه سیاست جهانی خواهد بود.

#### - اتحادیه اروپا و همراهی با آمریکا در اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی ایران:

چرا اتحادیه اروپا برخلاف مواضع پیشین خود با دنباله روی از آمریکا به وضع تحریم‌هایی علیه ایران پرداخته است؟ تحولاتی که در روند مسئله هسته‌ای ایران زخ داد از یک سو و تحول در رویکرد دولت آمریکا مبنی بر همکاری و تعامل با قدرتهای بزرگ بر سر موضوعات مهم بین‌المللی از سوی دیگر در همراهی اتحادیه اروپا با آمریکا تأثیرگذار بوده است. در این راستا شورای اتحادیه اروپا ضمن ابراز نگرانی عمیق نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و تأکید بر اجرای مفاد تحریم‌های وضع شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تدابیر محدود کننده بیشتری را در روابط خود با ایران به تصویب رساند. براساس اعلام اتحادیه اروپا

هدف از این تدابیر سخت‌گیرانه بازگرداندن ایران به میز مذاکره برای حل و فصل مسألت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران است. این تحریم‌ها شامل نام افراد، نهادها و شرکت‌های مشمول تحریم است و بر تجارت و بخش‌های مالی، حمل و نقل و صنایع نفت و گاز متمرکز شده است. در نتیجه این تحریم‌ها بخش‌های مالی و بانکی، نفت، گاز و حمل و نقل تحت محدودیت‌های شدید قرار خواهند گرفت. به طور مشخص‌تر می‌توان تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران را در سه بخش خلاصه کرد:

- ۱- بخش مالی و بانکی شامل: ممنوعیت هرگونه رابطه بانکی با نهادهای مالی ایرانی، ممنوعیت تأسیس شعب جدید توسط بانک‌های ایران در کشورهای عضو اتحادیه، ممنوعیت ارائه خدمات بیمه‌ای به نهادهای دولتی ایران.
  - ۲- اعمال تحریم در بخش نفت و گاز ممنوعیت فروش هرگونه تجهیزات و تکنولوژی مورد استفاده در پالایش، اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی مایع.
  - ۳- اعمال تحریم در بخش حمل و نقل، بازرسی کشتی‌های مظنون به حمل اقلام ممنوعه در بنادر کشورهای عضو اتحادیه و بازرسی با اجازه دولتی که پرچم آن بر روی کشتی نصب شده در آب‌های آزاد و بستن فرودگاه‌ها بر روی پروازهای باری ایران.
- تصویب این تحریم‌ها در این مقطع زمانی حاکی از این است که برداشت اروپایی‌ها از تهدید ایران به اندازه‌ای تقویت شده که آنها وضع تحریم‌های یک‌جانبه را ضروری دانسته‌اند. از سوی دیگر اتحادیه اروپا با این خط‌مشی جدید بیشترین هم‌سویی را با سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه دولت آمریکا نشان داده است. البته در این زمینه وقایع و رویدادهای یک سال اخیر چه در عرصه مذاکرات هسته‌ای و چه در عرصه تحولات داخلی ایران را نباید از نظر دور داشت.

اقدام ایران برای مذاکره با برزیل و ترکیه در زمینه مبادله سوخت هسته‌ای و توافق با این دو کشور در این خصوص پس از عدم پاسخ مثبت به پیشنهادهاى گروه وین در شرایطی که صدور قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت قریب‌الوقوع می‌نمود از جمله عوامل تاثیرگذار بود. در هر حال تصمیم اخیر ناتو برای استقرار سپر موشکی در ترکیه و سراسر اروپا و امریکای شمالی

حاکمی از هم سوئی و همبستگی اروپایی ها با آمریکا است و با توجه به هدف اعلامی این طرح یعنی مقابله با تهدیدات موشکی ایران، این همراهی گام دیگری از همراهی اروپا با آمریکا پس از تصویب تحریم های شورای امنیت علیه ایران است. به عبارت دیگر همکاری بین دو سوی آتلانتیک نه تنها شامل همکاری در تحریم ایران می شود، بلکه همکاری در امور نظامی را نیز در بر خواهد گرفت.

طی سال های اخیر در محافل سیاسی و امنیتی غرب تلاش شده تا ایران به عنوان مهم ترین تهدید قلمداد شود. در گزارش گروه کارشناسان "مفهوم استراتژیک نوین ناتو" از توانایی ایران برای حمله موشکی به متحدان اروپایی عضو ناتو ابراز نگرانی شده است. در این گزارش با اشاره به اینکه با توسعه توان موشکی ایران این کشور تا سال ۲۰۲۰ قادر خواهد بود بخش هایی از خاک اروپا را در تیررس داشته باشد، اشاره شده است راهبرد ناتو طبق بند ۵ خود باید دفاع همه جانبه در برابر تهدیدات موشکی ایران علیه هر یک از اعضای این پیمان باشد. همچنین توسعه توانایی موشک های ساحل به دریای ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان به عنوان تهدیدی جدی برای امنیت عبور و مرور کشتی های نفتی در این منطقه تلقی شده است. از این رو کارشناسان گروه "مفهوم نوین استراتژیک ناتو" ضمن تأکید بر استقرار طرح دفاع موشکی، موفقیت این طرح را در گرو مشارکت همه اعضای ناتو و روسیه دانسته اند.

#### - اتحادیه اروپا و افغانستان:

تحولات سیاسی امنیتی افغانستان پس از حمله آمریکا به این کشور و اشغال آن توسط نیروهای ائتلاف یکی از مهم ترین و پیچیده ترین چالش های منطقه ای و بین المللی در خلال یک دهه گذشته بوده است. این مسئله تحت تأثیر عواملی مانند رویکردها، منافع، اهداف و سیاست های متفاوت و در مواردی متعارض بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در قبال افغانستان است. نکته مهمی که در جریان کنفرانس بن در قالب نظرات ناتو ( که بیشتر اعضای آن عضو اتحادیه اروپا هستند) و آمریکا طرح شد واگذاری مسئولیت های امنیتی تا سه سال دیگر به دولت این کشور

بود. طی این کنفرانس به نکاتی توجه شد که می تواند امنیت را به این کشور بازگرداند. نخستین مسئله واگذاری مسئولیت های امنیتی به افغان ها بود. در این باره چند چالش عمده وجود دارد:

۱- واگذاری مسئولیت های امنیتی مستلزم تربیت نیروهای امنیتی کارآمدی است که در این زمینه پیشرفت محسوسی در افغانستان به چشم نمی خورد.

۲- کمک های بین المللی همواره به دلیل ضعف های نظارتی در افغانستان، با مشکل مواجه بوده است.

#### - نگاهی به تحولات بهار عربی: اهمیت انرژی و محیط پیرامونی برای اتحادیه اروپا:

اهمیت انرژی و مناطق پیرامونی اروپا مانند شمال آفریقا عامل اساسی شکل دهنده به سیاست های اتحادیه اروپا در قبال بهار عربی بود.

#### - انرژی و اتحادیه اروپا:

با توجه به نقش مهم انرژی خلیج فارس در اقتصاد و سیاست بین المللی و به خصوص وابستگی قدرت های بزرگ و نوظهور به منابع انرژی این منطقه، انرژی نقشی اساسی در سیاست های خاورمیانه ای این قدرت ها دارد. رشد تقاضای انرژی در مناطق مختلف جهان به ویژه در آسیا، اتحادیه اروپا را نیز همانند دیگر قدرت های بزرگ اقتصادی به رقابت با سایر رقبای مصرف کننده انرژی سوق داده است. علاوه بر این اتحادیه تلاش می کند منابع موجود تامین کننده انرژی را حفظ کند و دست یابی به تأمین کنندگان جدید انرژی را نیز در دستور کار برنامه های خود قرار داده است.

براساس پیش بینی های مندرج در "سند سبز کمیسیون اروپا مصوب سال ۲۰۰۶، تا سال ۲۰۳۰ نیاز وارداتی اتحادیه اروپا به انرژی های فسیلی از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. هم اکنون این اتحادیه ۷۶ درصد نفت و ۵۰ درصد گاز طبیعی خود را وارد می کند. پیش بینی

می شود در طول سه دهه آینده تولید انرژی اتحادیه اروپا ۱۷ درصد کاهش خواهد داشت. کاهش ذخایر داخلی انرژی اروپا در شرایطی صورت می پذیرد که انرژی وارداتی اتحادیه اروپا در طول این سه دهه ۱۵ درصد رشد خواهد داشت. از این میزان وابستگی خارجی اتحادیه به نفت ۹۰ درصد و گاز طبیعی به ۸۰ درصد خواهد رسید.

واردات اتحادیه اروپا در زمینه انرژی نفت و گاز عمدتاً به روسیه و خاورمیانه متکی است. این دو منطقه مجموعاً ۷۰ درصد عرضه جهانی نفت و گاز را در اختیار دارند. اتحادیه اروپا بزرگ ترین واردکننده نفت و محصولات وابسته به آن است. در این رابطه اتحادیه اروپا خود را در وضعیتی آسیب پذیر و شکننده می بیند، زیرا واردات انرژی این اتحادیه عمدتاً از مناطقی صورت می پذیرد که اساساً فاقد عناصری همچون پایداری، اطمینان و اعتماد در فرآیند صدور انرژی هستند. خاورمیانه به عنوان کانون اصلی بحران های بین المللی و روسیه به عنوان کشوری که از صدور انرژی خود به بازارهای مصرف انرژی بهره گیری سیاسی و امنیتی می نماید دو نمونه مهم در این رابطه اند. از این رو امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا از اهمیت زیادی برخوردار است. بر همین مبنا اتحادیه اروپا همواره توجه خاصی به منابع انرژی در خاورمیانه و مشخصاً در شمال آفریقا و خلیج فارس داشته است.

با آغاز بهار عربی اتحادیه اروپا تلاش کرد به گونه ای اقدام کند که بتواند تأمین انرژی مورد نیاز خود را تضمین کند. لذا این اتحادیه به این نتیجه رسید که با مداخله در لیبی بهتر خواهد توانست نیاز خود به انرژی شمال آفریقا را تأمین کند. چون تداوم نا امنی و بی ثباتی در لیبی می توانست یکی از منابع مهم انرژی اروپا را در معرض خطر قرار دهد. اما در رابطه با خلیج فارس، اتحادیه اروپا نسبت به تحولات بحرین با احتیاط برخورد می کرد. زیرا ملاحظات شش عضو دارنده منابع انرژی شورای همکاری خلیج فارس مبتنی بر عدم وقوع تحول در بحرین است. اگر اتحادیه ی اروپا خلاف این خواست شورای همکاری خلیج فارس و همچنین خلاف

خواست عربستان تصمیم می گرفت، به نوعی انرژی خود را به خطر می انداخت. بدین ترتیب یکی از دلایل همراهی اتحادیه اروپا با آمریکا علیه ایران مبحث انرژی است.

#### اهمیت مناطق پیرامونی: شمال آفریقا:

علاوه بر عامل انرژی، اتحادیه اروپا قائل به این است که تهدیدات جدی برای امنیت این اتحادیه در مناطق نزدیک به قلمرو اتلانتیک وجود دارد و لذا باید به این مناطق در ابتدا توجه شود. تهدیدات ناشی از تروریسم، گسترش تسلیحات کشتار جمعی، دولت های ورشکسته و غیره زمانی جدی و خطرناک است که در مناطق پیرامونی اروپا قرار گرفته باشد. توجه اتحادیه اروپا به مناطق پیرامونی خود در قالب "طرح عمل سیاست همسایگان اروپا" نمود یافته است. بر مبنای این طرح اتحادیه اروپا به دنبال همکاری کردن با همسایگان منطقه آتلانتیک چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی است. مبنای توجه کننده این طرح این است که اتحادیه اروپا با همگرایی های اقتصادی و تعمیق همکاری های سیاسی و امنیتی با همسایگان خود، با ایجاد مناطق امن در پیرامون خود، می تواند امنیت خود را تأمین کند. به عبارت دیگر در اثر تعامل با همسایگان و کمک به توسعه و پیشرفت آنها ارزش های مشترکی شکل می گیرد که خود مانع ظهور و یا تبدیل شدن مناطق پیرامونی به تهدید برای اتحادیه اروپا می شود. بر مبنای این طرح اتحادیه اروپا در تعامل با همسایگان خود به دنبال تقویت حقوق بشر در عرصه هایی همچون حقوق زنان و حقوق اشخاص متعلق به اقلیت ها، تقویت ارزش های مشترک نظیر حاکمیت قانون، حکمرانی مطلوب، دموکراسی و . . . و همچنین تعهد مشترک دو طرف تعامل به مبارزه با تروریسم، تقویت رژیم های عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی و اصول اقتصاد بازار و توسعه پایدار است.

یکی از مناطق مهم در همسایگی اتحادیه اروپا کشورهای جنوب مدیترانه است که طبق فرآیند بارسلونا (۱۹۹۵) روابط اتحادیه اروپا با این کشورها در قالب "مشارکت اروپا- مدیترانه" در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۱ آغاز شد و در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۵ منجر به انعقاد موافقت نامه همکاری و تعامل بین کشورهای جنوب مدیترانه و اتحادیه اروپا شد. در قالب "مشارکت اروپا- مدیترانه" (طرح

عمل سیاست) همسایگان اروپا در جنوب مدیترانه از سال ۲۰۰۳ پی گیری شد. هدف اصلی این سیاست کمک به توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای جنوب مدیترانه با هدف تأمین امنیت اروپا بود. این منطقه در بر دارنده فرصت ها و منافی چون بازار عظیم و انرژی برای اتحادیه اروپا بود و از سوی دیگر در بردارنده تهدیداتی همچون مهاجرت های گسترده، بنیادگرایی اسلامی، خطر دولت های ورشکسته، جرایم سازمان یافته، بیم گسترش سلاح های کشتار جمعی، تروریسم و... بود.

اعضای اتحادیه اروپا در تدوین سند استراتژی امنیت اروپا تأکید کردند قائل به وجود رابطه مثبت بین امنیت و توسعه هستند. بدین معنا که اتحادیه اروپا تلاش برای ایجاد توسعه در دیگر مناطق پیرامونی خود را بهترین مینا برای تأمین امنیت اتحادیه اروپا می داند. از این رو در چارچوب "طرح عمل سیاست همسایگان جنوبی" اتحادیه اروپا به دنبال تعامل و همکاری با کشورهای جنوب مدیترانه بوده تا ماحصل این تعامل منجر به توسعه جنوب مدیترانه و به تبع آن امنیت اروپا شود. بر مبنای دو عامل اهمیت انرژی و اهمیت مناطق پیرامونی، اتحادیه اروپا توجه خاصی به جریان بهار عربی - اگرچه نه به صورت یکسان - نمود.

نوع نگاه اتحادیه اروپا به تحولات تونس و مصر، بر این مینا قابل توجیه است.

مصر عمده ترین کشور جنوب مدیترانه است و روابط این کشور با اتحادیه اروپا در چارچوب سیاست همسایگان جنوب مدیترانه اتحادیه اروپا قابل ارزیابی است. مصر دارای نقش استراتژیک مهمی در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه است. بدین خاطر نمی تواند مورد توجه اتحادیه اروپا واقع نشود. همکاری مصر و اتحادیه اروپا شامل حوزه های کلیدی چون مذاکرات سیاسی درباره حقوق بشر، دموکراسی، موضوعات منطقه ای و بین المللی همچون کشمکش های خاورمیانه، نبرد با تروریسم، کنترل تسلیحات کشتار جمعی - اصلاحات اقتصادی در مصر و موضوعات مرتبط با عدالت، حمل و نقل، مهاجرت و... است. از سویی دولت مصر نیز

همواره تمایل به گسترش روابط با اتحادیه اروپا و به ویژه همسایگان شمالی مانند ایتالیا و فرانسه داشته است. در سال ۲۰۰۸ اتحادیه اروپا دومین شریک تجاری مصر بود.

موافقت نامه همکاری بین مصر و اتحادیه اروپا در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ به امضاء رسید و از سال ۲۰۰۶ وارد مرحله اجرا شد. همچنین "طرح عمل مشترک" بین مصر و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید و جمهوری عربی مصر و اتحادیه اروپا به عنوان شرکای کلیدی و همسایگان نزدیک بر تعهد مشترک نسبت به تعمیق روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأکید کردند. در چارچوب این طرح دولت مصر به تطبیق خود با اقتصاد جهانی، توسعه سیاسی و اقتصادی و مدرن شدن اجتماعی متعهد شد.

در چارچوب سیاست همسایگان اروپا و طرح عمل انعقادی بین مصر و اتحادیه اروپا دو طرف به گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری، سرمایه گذاری و همکاری های علمی، تکنولوژیکی، فرهنگی و مسئولیت مشترک در برقراری حوزه ای از صلح و ثبات از جمله پیشگیری و حل کشمکش های منطقه ای و افزایش همکاری های منطقه ای و درون منطقه ای تأکید کردند. طبق مفاد موافقت نامه های همکاری بین مصر و اتحادیه اروپا دولت مصر باید در زمینه هایی به توسعه و پیشرفت برسد. این زمینه ها عبارتند از:

- ۱- تقویت هنجارهای دموکراتیک، حقوق بشر و آزادی های اساسی.
- ۲- تقویت استقلال قضایی.
- ۳- افزایش مشارکت سیاسی شهروندان و توانمندی نهادسازی در این کشور.
- ۴- از بین بردن بی سوادی و توسعه آموزش عالی.
- ۵- مدرن کردن نظام اجتماعی مصر.
- ۶- افزایش نرخ رشد اقتصادی و زمینه سازی برای جذب سرمایه گذاری های خارجی.
- ۷- افزایش فرصت های شغلی و کاهش بیکاری و فقر.
- ۸- بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی.



در راستای تحقق این موارد اتحادیه اروپا هر ساله کمک های فراوان اقتصادی را در اختیار مصر قرار داده است. میزان حمایت مالی اتحادیه اروپا از مصر در طی سال های ۲۰۱۰-۲۰۰۷ حدود ۵۵۸ میلیون یورو بوده است. میزان کمک های در نظر گرفته شده برای مصر طی سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ حدود ۴۴۹ میلیون یورو است که از طریق اعطای سیاست های اقتصادی و اجتماعی مؤثر و همچنین مدیریت بهتر منابع صورت می گیرد.

مصر با توجه به نقشی که در شمال آفریقا و خاورمیانه دارد می تواند برای تعدیل تهدیدات بر علیه اتحادیه اروپا بسیار مفید باشد. با آغاز تحولات داخلی مصر اتحادیه اروپا با احتیاط با تحولات مصر برخورد کرد. اگر اتحادیه اروپا تحولات مصر را در راستای ایجاد حاکم کردن یک نظام سیاسی دموکراتیک ارزیابی کند با حمایت از تحولات مصر دامنه کمک های خود را به مصر افزایش می دهد. زیرا تحقق یک نظام دموکراتیک خود یک مرحله مهم در توسعه مصر به شمار می رود و طبیعی است که اتحادیه اروپا از این توسعه استقبال کند. در این صورت اتحادیه اروپا امنیت خود را تأمین می بیند و از ایجاد یک دموکراسی در مصر حمایت می کنند. اما اگر ارزیابی اعضای اتحادیه اروپا این باشد که تحولات مصر گامی در جهت پس رفت است و فرایند توسعه این کشور را مختل می کند طبیعی است که با احتیاط با تحولات مصر برخورد کنند.

برداشت اتحادیه اروپا از تحولات مصر ترکیبی از خوش بینی و بدبینی است. خوش بینی نسبت به آغاز تحولات منتهی به دموکراسی در مصر است که بر مبنای این نگرش خوش بینانه اتحادیه اروپا در همان روزهای اولیه تحولات مصر خواهان توجه مبارک به خواسته های مردم این کشور شد. نگرش بدبینانه اتحادیه اروپا در رابطه با تحولات مصر بیشتر متوجه آینده تحولات این کشور است. اعضای اتحادیه اروپا و کاترین اشتون همواره نسبت به این امر اظهار نگرانی کرده اند. فقدان دولت قوی در مصر و قرار گرفتن این کشور در ردیف دولت های ورشکسته، تبدیل شدن مصر به پناهگاهی برای گروه های تروریستی و ترس از روی کار آمدن دولتی اسلام

گرا در مصر از جمله نگرانی های مهمی است که اتحادیه اروپا در رابطه با آینده تحولات مصر دارد.

از منظر اتحادیه اروپا بی ثباتی و ناامنی در خاورمیانه و شمال آفریقا می تواند تأثیرات مستقیمی بر امنیت اتحادیه و امنیت شهروندان این اتحادیه داشته باشد. اتحادیه اروپا موضوعاتی همچون تروریسم، ناامنی و بی ثباتی، جرائم فراملی و تسلیحات کشتار جمعی را جزو اولویت ها و اصول کلیدی سیاست خارجی خود تعریف کرده است. در شرایط کنونی مسئله اصلی اتحادیه اروپا تثبیت وضعیت سیاسی - امنیتی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است.

اتحادیه اروپا تلاش می کند از طریق ورود به بحران ها از یک سو از رشد بنیادگرایی در این منطقه جلوگیری کند و از سوی دیگر به شکل گیری دولت و روی کار آمدن هم پیمانان مطمئن در منطقه کمک کند. در مواجهه با نارامی های شمال آفریقا به دلیل حساسیت های جغرافیایی، اتحادیه اروپا عمدتاً به دنبال مدیریت صحنه از طریق نوسازی، استخدام ظرفیت های داخلی و تسریع فرایند دموکراسی سازی و کمک به توسعه سیاسی و اقتصادی این کشورهاست. لذا در این مناطق اتحادیه اروپا نقش بسیار فعالی به عهده گرفته، اما اتحادیه اروپا در قبال تحولات بحرین و تا حدودی یمن، ملاحظات دولت های شورای همکاری خلیج فارس را به خاطر اهمیت انرژی این کشورها مد نظر قرار داده است.